

الحمد لله
الرحمن الرحيم

یا خشی بامان گونلریم

ناصر اکبرپور

سرشناسه
 عنوان و نام پدیدآور : یاخشی یامان گونلریم / ناصر اکبرپور.
 مشخصات نشر : تبریز: انتشارات نیاتی، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری : ۱۳۳ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۹۲-۹۶-۳؛ ریاال ۵۰۰۰۰
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یا اشت : ترکی
 موضوع : شعر ترکی -- ایران -- قرن ۱۴
 رده بندی کنگره : ۴۵۵ ۱۳۹۲ ی ۴۴ الف ۱۴/۲۱۴ PL
 رده بندی دیویی : ۸۹۴/۳۶۱۱
 شماره شابک : ۳۳۷۳۲۷۳



عنوان : یاخشی یامان گونلریم

مؤلف : ناصر اکبرپور

ناشر : نیاتی

تیراژ : ۱۰۰۰

قطع : رقعی

یاییم تاریخی : ۱۳۹۲

صفحه : ۱۳۳

قیمت : ۵۰۰۰ تومن

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۹۲-۹۶-۳

مرکز فروش: تبریز خیابان امام سه راه طالقانی مجتمع تجاری

استاد شهریار پلاک ۴۶ تلفن ۵۵۴۷۵۱۰

مقدمه :

قدر مسلم همه به این عقیده باور داریم ، کسی دست به قلم نمی برد و نمی نویسد مگر اینکه خواسته ای ، درد دلی و یا پیامی داشته باشد که بخواهد از این طریق دغدغه های فکری و ذهنی خود را در هر زمینه ای بصورت مکتوبی در آورده تا بدین طریق برای بهتر زندگی کردن و آسایش اسانها قدمی در حد توان خود برداشته باشد ، و هم اینکه دیگران را که قادر به احساس و تشخیص برخی مسائل نیستند آگاه نماید که زندگی همین آسایش و آسایش ها ، خوردن و خوابیدن ها، گذران عمر و در نهایت تکرار مکررات نیست. که مصداق این بیت که شاعر می فرماید :

اگر آدمی به چشم است و زبان و گوش و بینی

چه میان نقش دیوار و میان آدمیت

در این دنیای بیکران هیچ معنوی عاری از احساس نیست ، مخصوصاً انسان که دارای عقل و شعور و قدرت تکلم می باشد، بخاطر همین امتیاز است که آنها اشرف مخلوقات می شوند. یعنی اگر بغیر این باشد هر انسان نمایی را نمی توان انسان نامید. پس انسانی که نتواند درک کند و بیندیشد و خوب عمل کند، از خداوند دور محصور یقین بیراهه خواهد رفت و سرانجام خود و دیگران را به زحمت خواهد انداخت، بنابراین شعوری که خداوند کردگار در نهاد هر انسانی به وداده گداشته و آنها از سایر موجودات متمایز ساخته باید که تأثیری در حیات خود و سایرین داشته باشد، آن هم تأثیری شایسته و مثبت وگرنه تفاوتی بین انسان و یک دیوار نخواهد بود.

با عنایت به مطلب اشاره شده هر انسان متعهدی نباید بی تفاوت از کنار برخی مسائل که آنرا از مسیر اصلی اش دور می سازد و انسانیت را زیر سؤال می برد و منجر به ناامیدی ها، کجروی ها، بدعت گذاری غیر اخلاقی و اجتماعی که جامعه را از رسیدن به حقوق حقه ی خود باز میدارد به سادگی بگذرد. هر فرد آگاه و با شعوری مسئول است در برابر ملامتات و ناهنجاریهای جامعه از خود، واکنش هایی نشان دهد و نظر و پیفیده ی خود را به صراحت بیان کند خواه پند بگیرند خواه ملال، یعنی فروغ دین را در مورد امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهد. بنده دلتنگ و دلباخته ی خدا هستم وقتی می بینم عشق و محبت، راستگویی، دینداری خدا به بداند، نوع دوستی، حلال حرام شناسی، عدالت خواهی، صداقت و رزقانی، داده زیستی، سخن را کوتاه کنم تمامی اعمال نیکی که در کتاب آسمانی و نامه اطهار انسانها را بدان ترغیب و تشویق نموده اند کم رنگ تر میشود فراموشی سپرده می شود، البته نه در شعار و حرف بلکه در عمل. این گونه مسائل و عوامل باعث بوجود آمدن انگیزه ای در من گردید تا اثر « یاخشی یامان گونلریم » را به رشته تحریر درآورم که در واقع روزهای خوش و دغدغه های زندگی است که هر کس در طول عمرش بنحوی و به طرق متفاوت آنرا تجربه می کند. در اشعار یاخشی یامان گونلریم بنده پدربزرگم مشدعلی را مخاطب قرار داده عقده گشایی نمودم، زیرا که ایشان مرد خدائی زحمتکش بودند که در زمان حیاتشان در دامنه ی کوهی به کار آسیابانی مشغول بودند که در نزد عوام ایشان با عنوان ائونچی مشدعلی شناخته می شد، مردی که با عرق جبین خود روزی حلال بر سر سفره ی خود می بردند و چه بسیار اهالی روستا و ولایات از دسترنج این مرد روزی خوردند و، و چراغ خانهای

شان را روشن نگه داشتند، با گذشت زمان جای خالی چنین مردان پرهیزکار و مؤمن را احساس می‌کنم، و روزهای خوش و خاطرات بیادماندنی و با شکوهی که با این مرد داشتم که با تداعی آن در ذهنم زندگی می‌کنم تا خداوند بزرگ چه بخواهند. لازم به ذکر است عنوان نمایم این مجموعه به زبان عامیانه و محاوره ای آذری سرود شده و از لغات سنگ و نامأنوس خبری نیست و هر خواننده ی آذری زبانی به نحوه ی گویش آشنایی کامل دارند و به راحتی می‌توانند آنرا بخوانند، هر چند سوده ایم نالی از ضعف و نقض نیست، امیدوارم اهل فن و خوانندگان فهیم، بنده منت نماده و مرا بر ضعفهایم عفو نمایند. بنده ادعای چندانی در مکتب ادب و شاعری ندارم و فقط عشق و علاقه ای که به ادبیات و فولکلور دیار خوسم احساس نمودم و خوشی‌ها و ناخوشی‌هایی که در طول عمرم دیده و لمس کردم، دم به این وادی گذاشتم و امید است با این اقدام سهمی هر چند اندک در فرهنگ و ادبیات خطه ی خود داشته و قطره ای در دریای بیکران فرهنگ و ادب این سرزمین عزیز چکانده باشم، و در نهایت رضایت علاقمندان را نیز از حدی جلب نموده و منشأ اثری باشد برای آیندگان.

ناصر اکبرپور

مهر ماه ۹۲